

اقتصاد ایران و جهانی شدن

تهیه و تنظیم: مرجان محمد اسماعیل، شعبه تجریش

مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن واژه رایج دهه ۱۹۹۰ میلادی است. جهانی شدن فرایندی از تحول است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ می‌کند. ارتباطات را گسترش می‌دهد و تعامل فرهنگ‌ها را افزون می‌نماید. جهانی شدن یک پدیده چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فن‌آوری است و همچنین فعالیت‌های اجتماعی همچون محیط زیست را نیز متأثر می‌کند. جهانی شدن را از ابعاد گوناگون می‌توان بررسی کرد. و ما از جنبه اقتصادی جهانی شدن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- مرزهای ملی برای جداسازی بازارها اهمیت خود را از دست می‌دهد.
۲- فعالیت‌های تولیدی فرامرزی تخصصی می‌شوند و بنابراین سبب شکل‌گیری شبکه‌های تولید چندملیتی می‌گردند.

۳- قدرت‌های چندپایه تکنولوژیک شکل می‌گیرند که در نهایت به همکاری‌های بیشتر بین بنگاه‌های بین‌المللی منتهی می‌شود.

۴- شبکه‌های اطلاعاتی جهانی همه جهان را به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌کند.

۵- همبستگی بالاتری در مراکز مالی دنیا به وجود می‌آید.

بررسی روند جهانی شدن:

بسیاری از متفکران اقتصادی معتقدند اولین حرکت در خصوص جهانی شدن اقتصاد به اواخر قرن نوزدهم میلادی باز می‌گردد و اقتصاد در آن زمان با توجه به شرایط آن روز جهانی بوده است، هر چند که به وسعت جهانی شدن در اواخر قرن بیستم نمی‌رسد. یکی از عوامل موثر

بر جهانی شدن در اواخر قرن ۱۹، افزایش حجم تجارت بوده است. در این زمان اعتقاد عمومی بر آن بود که شرایط آزادی اقتصادی هم‌چنان ادامه پیدا خواهد کرد ولی بر خلاف انتظار اعتراض‌ها بر علیه تجارت آزاد شروع شد و بالاخره با شروع جنگ جهانی اول، جهانی شدن به فراموشی سپرده شد. و وقوع بحران بزرگ در سال‌های ۱۹۲۹-۳۲ دولت‌ها را به سمت اعمال سیاست‌های استقلال‌طلبانه سوق داد و بروز جنگ جهانی دوم هم به این امر دامن زد. پس از اتمام جنگ جهانی دوم، با تاسیس نهادهایی چون سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، صندوق بین‌المللی پول، بانک ترمیم و توسعه، بانک جهانی (در سال ۱۹۴۵) و گات (در سال ۱۹۴۷) اولین قدم‌ها در جهت هماهنگ‌سازی کشورهای در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی فراهم گردید. روند جهانی شدن از اوایل دهه ۱۹۷۰ سرعت بیشتری به خود گرفت و در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. افزایش سرعت جهانی شدن به عوامل متعددی بستگی دارد که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- بعد از دهه ۱۹۷۰ شاهد عقب‌نشینی دولت‌ها از عرصه اقتصاد کشورهایشان و کاهش مداخلات گسترده آنها در روند مکانیسم بازار هستیم. به عبارت دیگر نظریات مداخله‌گرایانه کینز در این دهه اعتبار خود را در عمل از دست داد و تفکر متکی به نظام بازار جایگزین آن گردید و به همین دلیل شاهد گسترش شدید تجارت و جهانی شدن بسیاری از بازارها بودیم.

۲- افزایش تحرک سرمایه باعث شد که کشورهای برای کسب سرمایه‌های مالی و انسانی رقابت کنند. این امر باعث فشار بیشتر برای آزادسازی و به تبع آن جهانی شدن اقتصاد شده است.

۳- به ثمر رسیدن دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ که نقطه عطفی در تجارت بین‌الملل بود، زیرا توافق شد موانع تجاری به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کند.

۴- در دهه ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای توسعه یافته و

◆ جهانی شدن
یک پدیده چند
بعدی است که آثار
آن قابل تسری به
فعالیت‌های
اجتماعی،
اقتصادی،
سیاسی، حقوقی،
فرهنگی، نظامی و
فن‌آوری است



نیز در حال توسعه کنترل بر جریان سرمایه را کاهش دادند و سیاست‌های تشویق سرمایه‌گذاری خارجی را دنبال کردند.

۵- عامل دیگر که موجب تقویت و جهانی شدن اقتصاد گردید فروپاشی نظام سوسیالیستی بود چون با ایجاد بلوک شرق یا کشورهای سوسیالیستی این کشورها با سرعت از سایر کشورهای جهان فاصله گرفتند در نتیجه حجم مبادلات تجاری این کشورها با سایر کشورهای جهان کاهش چشمگیری پیدا کرد همچنین انتقال سرمایه به این کشورها اندک بود.

ویژگی‌های جهانی شدن در عصر حاضر:

همانطور که بیان کردیم اولین حرکت هادر خصوص جهانی شدن به اواخر قرن ۱۹ میلادی باز می‌گردد که با وقوع جنگ جهانی اول به فراموشی سپرده شد. حرکت بعدی پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد و در سه دهه گذشته شتاب پیدا کرد. نیز در راستای حرکت اولیه بود ولی جهانی شدن آخر قرن بیستم ویژگی‌های خاص خود را دارد.

۱- ادغام وسیع و عمیق اقتصادهای ملی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم و جریان‌های دیگر سرمایه
۲- افزایش فعالیت و سیال شدن بازارهای سرمایه

بین‌المللی

۳- شفاف شدن تمایز بین فعالیت‌های تولیدی و خدماتی که در نتیجه اهمیت اطلاعات و ادغام الکترونیکی افراد بنگاه و بازارها را افزون کرد.

۴- دیجیتالی شدن اقتصاد و حرکت از تجارت مواد به تجارت اطلاعات، همراه با حرکت بازارها از فضاهای جغرافیایی به جهان فضایی

۵- فشردگی زمان-فضا، آگاهی همزمان از اتفاقات، روندها و ایده‌ها در بخش‌های مختلف جهان، حداقل در میان فرهیختگان دنیای پیشرفته

مفهوم رقابت و رقابت پذیری

ایجاد فضای رقابتی در جامعه و ارتقای سطح رقابت‌پذیری ملی، زمینه‌های لازم جهت ورود به فرآیند جهانی شدن را فراهم می‌نماید. رقابت‌پذیری بنگاه، بخش و یا اقتصاد ملی کیفیتی است که از طریق حاکمیت بازار و شکل‌گیری فعالیت‌ها بر پایه مزیت نسبی و رقابتی محقق می‌شود. هر چقدر رقابت‌پذیری کشوری در سطح جهان بالاتر باشد آن کشور از ادغام در اقتصاد جهانی به واسطه دسترسی سهل‌تر به بازارهای خارجی بیشتر منتفع خواهد شد. با توجه به اینکه دورماندن کشورمان از این جریان می‌تواند عواقب نگران‌کننده‌تری در مقایسه با پیامدهای ورود به این جریان داشته باشد و با توجه به اهمیتی که رقابت‌پذیری در کشور برای حضور در فرآیند جهانی شدن دارد به بررسی نظری این موضوع می‌پردازیم.

خصوصی‌سازی در رقابت‌پذیری

خصوصی‌سازی را می‌توان تلاش در جهت پررنگ کردن نقش بازار در مقابل تصمیم‌های دولت به عنوان کارگزار اقتصادی دانست. از طریق خصوصی‌سازی و ایجاد محیط رقابتی می‌توان تولیدکننده را مجبور به تولید

◆ روند جهانی شدن
از اوایل دهه ۱۹۷۰
سرعت بیشتری به
خود گرفت و در دهه
۱۹۹۰ به اوج خود رسید

و فروش با قیمت حداقل کرد. مزیت بخش خصوصی این است که از طریق رقابت می‌توان آن را تحت فشار قرار داد تا محصول را با قیمت حداقل تولید کند. این امر در ساختار دولتی امکان‌پذیر نیست بنابراین خصوصی‌سازی منجر به کاهش هزینه‌ها و رشد نوآوری و کاهش قیمت‌ها می‌شود. طی سالیان متمادی، دولت در ایران نقش عمده‌ای را در صحنه فعالیت‌های اقتصادی ایفا کرده است و یکی از دلایل مهم آن وجود منابع سرشار نفت و گاز می‌باشد. با وقوع انقلاب و خروج تعدادی از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع خصوصی از کشور حجم فعالیت‌های اقتصادی دولت به مراتب گسترده‌تر از قبل گردید همچنین با شروع جنگ تحمیلی روند دولتی شدن اقتصاد کشور قوت گرفت. عملکرد ضعیف بنگاه‌ها، و پایین بودن کارایی آنها موجب شکل‌گیری اندیشه خصوصی‌سازی

توسعه‌ساز

سال یازدهم - شماره ۷۳

مرداد ۱۳۸۷



◆ یکی از الزامات افزایش کارایی در خصوصی سازی، ایجاد زمینه های رقابت داخلی و خارجی است

در سال ۱۳۶۲ گردید. به واسطه در دسترس نبودن اطلاعات کامل، بررسی دقیق خصوصی سازی در ایران امکان پذیر نیست ولی در مجموع می توان گفت که دولت در اعمال سیاست خصوصی سازی توفیق چندانی نداشته است بخش خصوصی مانیز از خصوصی سازی و رقابت راضی نیست چون این بخش طبق عادت رانت جو و ناکارآمد است و بر این باور است که با ایجاد فضای رقابتی حرف زیادی برای گفتن ندارد.

پس یکی از الزامات افزایش کارایی در خصوصی سازی، ایجاد زمینه های رقابت داخلی و خارجی است. همچنین فضای رقابتی در صورتی می تواند به افزایش کارایی منجر شود که مقررات کنترل کننده و دست و پاگیر از بین برود.

قیمت گذاری در ایران:

جهت بررسی دقیق تر روند قیمت گذاری در کشور ۵ دوره زمانی را در نظر می گیریم:

۱- دوره قبل از ۱۳۵۲:

در این دوره قیمت گذاری اکثر کالاها به وسیله مکانیزم عرضه و تقاضای بازار صورت می گرفت. و در مورد بعضی از اقلام، قیمت گذاری در جهت مبارزه با گران فروشی اعمال شد.

۲- دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۲:

یکی از رویدادهای مهم در طی این دوره افزایش بی سابقه قیمت جهانی نفت بود. با افزایش درآمدهای ارزی کشور و از محل صادرات نفت، دولتمردان آن زمان شروع به تزریق این درآمدها به اقتصاد ملی کردند. این امر

باعث افزایش سریع تقاضای موثر در جامعه شد. به دلیل فقدان زیرساخت های مناسب اقتصادی آهنگ رشد قیمت ها سریع شد. در نتیجه شاهد پررنگ شدن نقش دولت در روند قیمت گذاری در کشور شدیم.

۳- دوره ۱۳۶۸-۱۳۵۷:

در طی این دوره شرایط سیاسی حاکم بر جامعه به واسطه وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی منجر به اعمال سیاست های قیمت گذاری گسترده در کشور شد. در بهمن ماه ۱۳۵۸ به موجب مصوبه شورای انقلاب، مرکز بررسی قیمت ها و سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان با عنوان سازمان حمایت از مصرف کننده و تولیدکننده در یکدیگر ادغام شدند. قیمت گذاری کالاها و خدمات در این سازمان از اوایل دهه ۱۳۶۰ آغاز شد. در طول دوران جنگ بسیاری از کالاها و خدمات مشمول قیمت گذاری شدند و در واقع این دوره، دوره دخالت گسترده و وسیع دولت در مکانیزم قیمت ها می باشد.

۴- دوره ۱۳۷۳-۱۳۶۸:

با اتمام جنگ و شروع برنامه اول توسعه که با برنامه های آزادسازی اقتصادی همراه بود شاهد کاهش سیاست های قیمت گذاری توسط دولت هستیم.

۵- از ۱۳۷۳ به بعد:

به واسطه افزایش سطح عمومی قیمت ها طی سال های ۱۳۷۳-۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی خواستار قیمت گذاری تعدادی از اقلام اساسی شد همچنین در این سال مجمع تشخیص مصلحت نظام به دلیل بالا بودن نرخ تورم در کشور تشکیل جلسه داد و بر این اساس

ارگان‌های مهمی جهت قیمت‌گذاری و نظارت بر آن تشکیل گردید که عبارتند از: ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت‌ها و سازمان تعریضات حکومتی.

از این بحث می‌توان نتیجه گرفت که دولت ایران در مکانیزم قیمت بازار دخالت گسترده‌ای دارد و همین امر علت اصلی کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولیدی کشور می‌باشد.

نقش اقتصاد داخلی در رقابت‌پذیری:

هر چه اقتصاد داخلی رقابتی‌تر باشد، شرکت‌های موجود می‌توانند با رقابت و تولید بیشتر در بازارهای خارجی عمل کنند و به تبع آن کشور مسیر رشد و ترقی را سریع‌تر طی خواهد کرد. بر اساس مطالعات IMD در خصوص رقابت‌پذیری ارتباط مهمی میان سطح استاندارد زندگی، بهره‌وری و میزان رقابت‌پذیری وجود دارد. با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد ایران به نظر می‌رسد سطح استاندارد زندگی شاخص مناسبی برای اندازه‌گیری توان رقابت‌پذیری کشور ما نباشد علت اصلی این مساله بالا بودن سهم و جایگاه درآمد نفت در اقتصاد ملی است.

حذف انحصارها و رقابت‌پذیری:

یکی از مهمترین کارهایی که دولت در جهت ایجاد فضای رقابتی می‌تواند انجام دهد حذف انحصارهای دولتی و ایجاد زمینه مناسب برای جلوگیری از انحصارهای خصوصی است. معمولاً دولت‌ها به واسطه دارا بودن قدرت سیاسی و در جهت تثبیت بیشتر آن اقدام به ایجاد انحصارهایی در فعالیتهای اقتصادی می‌نمایند و علاقه دولت‌های کشورهای در حال توسعه به ایجاد انحصارهای اقتصادی دولتی به مراتب بالاتر از کشورهای پیشرفته می‌باشد. در ایران علاوه بر اندیشه ذکر شده وجود یک اقتصاد تک محصولی متکی به درآمدهای نفتی روند ایجاد بنگاه‌های انحصاری دولتی را بیشتر کرده است.

دلایل شکل‌گیری و استمرار انحصار در ایران:

۱- اصل ۴۴ قانون اساسی ۲- قوانین خاص ۳- هزینه‌های بالای اعمال قراردادهای حقوقی ۴- مزایای خاص ۵- حاکمیت دولت ۶- محدودیت بازار ۷- حمایت‌های بازرگانی ۸- انحصار طبیعی

نقش تامین مالی در رقابت‌پذیری

یک مکانیزم مالی توسعه یافته و دارای ارتباط مناسب با موسسه‌های مالی در سطح بین‌المللی در یک کشور به بهبود و پشتیبانی رقابت‌پذیری آن کشور منجر می‌شود. دارا بودن بازارهای مالی کارآ، بهره‌مند بودن از یک بخش بانکی توسعه یافته و بهره‌گیری از خدمات مالی با کیفیت مناسب مجموعه عوامل مهمی را برای رقابت‌پذیری کشور شکل می‌دهد. یکی از مهمترین شاخص‌های قضاوت در مورد رقابت‌پذیری نظام مالی هزینه دسترسی به سرمایه است.

سیستم بانکی و دستیابی به سرمایه در ایران

قبل از انقلاب بانک‌های دولتی در کنار بانک‌های خصوصی فعالیت داشتند. پس از انقلاب بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی تمام بانک‌های خصوصی ملی شدند.

حضور پررنگ نظام دولتی در مجموعه نظام بانکی و نبود بانک قوی خصوصی در بازار امکان رقابت را از بین برد. مالکیت و مدیریت دولتی از یک طرف سطح نوآوری و ابتکار و تجهیز منابع و سپرده‌ها در نظام بانکی را محدود کرد و از طرف دیگر شیوه تخصیص منابع بانکی را دچار اختلال کرد. سیستم بانکی در کشورها -در دهه‌های اخیر- از تحولات جهانی به دور مانده و انگیزه کافی برای ورود به حوزه‌های تحول را نداشته است. نسبت‌های کفایت سرمایه در بانک‌های ایرانی که عمدتاً به دلیل دولتی بودن بسیار پایین است از حداقل استاندارد بین‌المللی (۸ درصد) نیز کمتر است.

سایر عوامل موثر در رقابت‌پذیری

۱- زیرساخت اجتماعی: یک زیرساخت اجتماعی خوب کسب و کار می‌تواند پشتیبانی موثر برای فعالیت‌های تجاری باشد و باعث رشد مهمترین عامل تولید (مردم و سرمایه معنوی) شود.

۲- تحقیق و توسعه: مزیت رقابتی می‌تواند با اتکا به بکارگیری کارآ و نوگرایانه در تکنولوژی‌های جدید ایجاد شود.

۳- کیفیت نیروی انسانی: وجود نیروی کار ماهر و پرانگیزه و نگرش مثبت به رشد و توسعه موجب افزایش بهره‌وری ملی و رقابت‌پذیری شود.

۴- کیفیت مدیریت: این امر برای بهره‌وری و رقابت‌پذیری از اهمیت زیاد برخوردار است. قابلیت مدیریت در دنیای امروز عبارت است از توان جذب، نگهداری و رشد استعدادها و اینکه چگونه می‌توان دانش و سرمایه معنوی را اداره کرد.

ابزارهای جهانی شدن و اقتصاد ایران

تجارت بین‌الملل و جهانی شدن:

یکی از مهمترین نیروهای ادغام‌کننده اقتصاد جهانی تجارت فرامرزی است. فشار بر فرآیند ادغام اقتصادی (جهانی شدن) طی دو دهه گذشته به وسیله توسعه تکنولوژی، تغییر در ساختار بازارها و ظهور شرکت‌های فراملیتی یا چند ملیتی زیاد شده است که بخشی از این موارد نتیجه افزایش تجارت در جهان است. طی دوره ۱۹۹۴-۱۹۸۵ رشد تجارت همواره بالاتر از رشد GDP واقعی جهان بوده است. برقراری تجارت آزاد و حذف عوامل مختل‌کننده قیمت‌ها موجب ایجاد یک فضای رقابتی در جهان شده که نتیجه طبیعی این امر شکل‌گیری تولیدات بر پایه مزیت نسبی است. به عبارت دیگر برقراری تجارت آزاد منجر به تخصیص بهینه منابع در سطح ملی و بین‌المللی می‌شود و میان کشورها وابستگی اقتصادی ایجاد می‌کند که موجب تخصصی شدن مناطق مختلف بر پایه مزیت نسبی، تخصیص بهتر منابع و امکان دستیابی گسترده‌تر مصرف‌کنندگان به کالاها و خدمات متنوع را در قیمت‌های مناسب فراهم می‌نماید. مهم‌ترین مواردی که در فرآیند آزادسازی تجاری باید مورد توجه قرار گیرند:

۱- تولید: شناخت مزیت‌های کشور قبل از اعمال سیاست آزادسازی تجاری موجب می‌شود صنایع دارای

♦ دارا بودن بازارهای مالی کارآ، بهره‌مند بودن از یک بخش بانکی توسعه یافته و بهره‌گیری از خدمات مالی با کیفیت مناسب مجموعه عوامل مهمی را برای رقابت‌پذیری کشور شکل می‌دهد

مزیت نسبی رشد پیدا کرده و زمینه رونق آنها فراهم شود. **۲- اشتغال:** در جریان آزادسازی تجاری منابع تولید به سمت فعالیت‌هایی سوق پیدا می‌کند که توان رقابتی و ایجاد ارزش افزوده بالایی دارند بنابراین امکان ایجاد بیکاری کوتاه مدت وجود دارد.

۳- توزیع درآمد: برای جلوگیری از بیکاری تجهیز نظام آموزشی برای آموزش مهارت از پیش‌نیازهای مهم آزادسازی است. بنابراین تجهیز مهارت نقایص مهمی در توزیع مناسب درآمد و در نهایت ثروت خواهد داشت.

سهام ایران در تجارت جهانی

جداول بررسی شده نشان می‌دهد که صادرات و واردات کشور بیشتر تحت تاثیر درآمدهای نفتی است تا سیاست‌های اقتصادی مندرج در برنامه‌ها یعنی در حالیکه هدف برنامه سوم توسعه جهش صادراتی بوده واردات در آن زمان افزایش داشته است.

سازمان تجارت جهانی جایگاه مهمی در برقراری تجارت دارد. در مذاکرات ادواری گات راهبردهایی را در جهت حذف موانع غیرتعرفه‌ای، سوبسیدها، سیاست‌های حمایتی و سایر موضوعات مربوطه ارائه داده‌اند. عضویت ایران در WTO اثری بر بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد داشت که به اختصار آنها را مطرح می‌کنیم:

این امر موجب رشد صنایع مزیت‌دار در کشور خواهد شد بنابراین در بلندمدت به نفع کشور است. در تولید بسیاری از محصولات کشاورزی، کشور ما دارای مزیت است (در صورت تصحیح ساختارهای تولید و ایجاد محیط رقابتی) و عضویت در WTO به نفع ما می‌باشد.

ولی در صنعت نساجی در صورت عضویت مشکل خواهیم داشت. بنابراین نتیجه‌گیری می‌کنیم که در ایران، باید آزادسازی تجاری صورت بگیرد و نظام مالیاتی تا جایی ادامه یابد که تربیت صنعتی و قدرت مقاومت صنایع تامین شده باشد.

در این حالت فوراً باید از حمایت دست برداشت و نیروی کار ضایع را به وسیله ایجاد رقابت توسعه داد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جهانی شدن

امروزه بسیاری از کشورهای جهان به علت عدم تکافوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کرده‌اند. سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً در دو قالب سرمایه‌گذاری پرتفوی خارجی (FPI) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) صورت می‌گیرد.

۱- (FPI): خریدار اوراق قرضه و سهام در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک‌های خارجی از انواع FDI هستند. سرمایه‌گذاری خارجی در هر لحظه قادر است با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه‌اش را به کشور خود یا کشور ثالث منتقل نماید. در نتیجه این نوع سرمایه‌گذاری در حالت رکود از کشور میزبان خارج می‌شود و این امر باعث تشدید نابسامانی می‌گردد.

۲- (FDI): عبارت است از سرمایه‌گذاری که متضمن مناسبات بلندمدت بوده و منعکس‌کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقوقی یا حقیقی تعمیم یک کشور

(سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شرکت مادر) در شرکتی واقع در خارج و حتی سرمایه‌گذار باشد. امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه FDI را کانال مهمی برای به دست آوردن منابع موردنیاز برای توسعه قلمداد می‌نمایند. ورود FDI با ثبات‌تر و بازپرداخت منابع آن آسانتر از بازرگانی یا سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار (FDI) می‌باشد. شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند تکنولوژی مدرن را با خود بیاورند. در برخی موارد امکانات (R&D) را به وجود آورند و به تبع آن ارتقای تکنولوژی و کمک به دستیابی به بازارهای صادراتی برای کالاها. بنابراین از مهم‌ترین عوامل برای یاد در رشد اقتصادی کشورها (به ویژه در حال توسعه) فراهم آوردن سرمایه به منظور تامین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران:

ایران به دلیل نقش بالقوه این سرمایه‌گذاری در تسریع رشد و تحول اقتصادی به جذب آن علاقه‌مند است. سرمایه‌گذاران خارجی در ایران تحت پوشش قانون تجارت در قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی می‌توانند فعالیت کنند. متأسفانه سهم ایران از جریان ورودی FDI تقریباً صفر است. بنابراین حجم بسیار کم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نشان از بسته بودن اقتصاد و جدا بودن و اثر فرآیند جهانی اقتصاد دارد. اما طی چند سال گذشته دولت جهت جلب سرمایه‌گذاران خارجی اهتمام به ایجاد مناطق آزاد نموده است که در مقایسه با عملکرد به سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران نمی‌باشند. و رغبت به آن نوع قراردادهایی نشان می‌دهند که ریسک آنان را تضمین‌های دولتی پوشش کامل دهد (مثل قراردادهای بیع متقابل در بخش نفت) که انتقال این وجوه مشابه اخذ تسهیلات مالی می‌باشد و به دلیل عدم مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی در سود و زیان فعالیت مورد نظر بسیاری از مزایای متصور برای FDI حاصل نمی‌گردد.

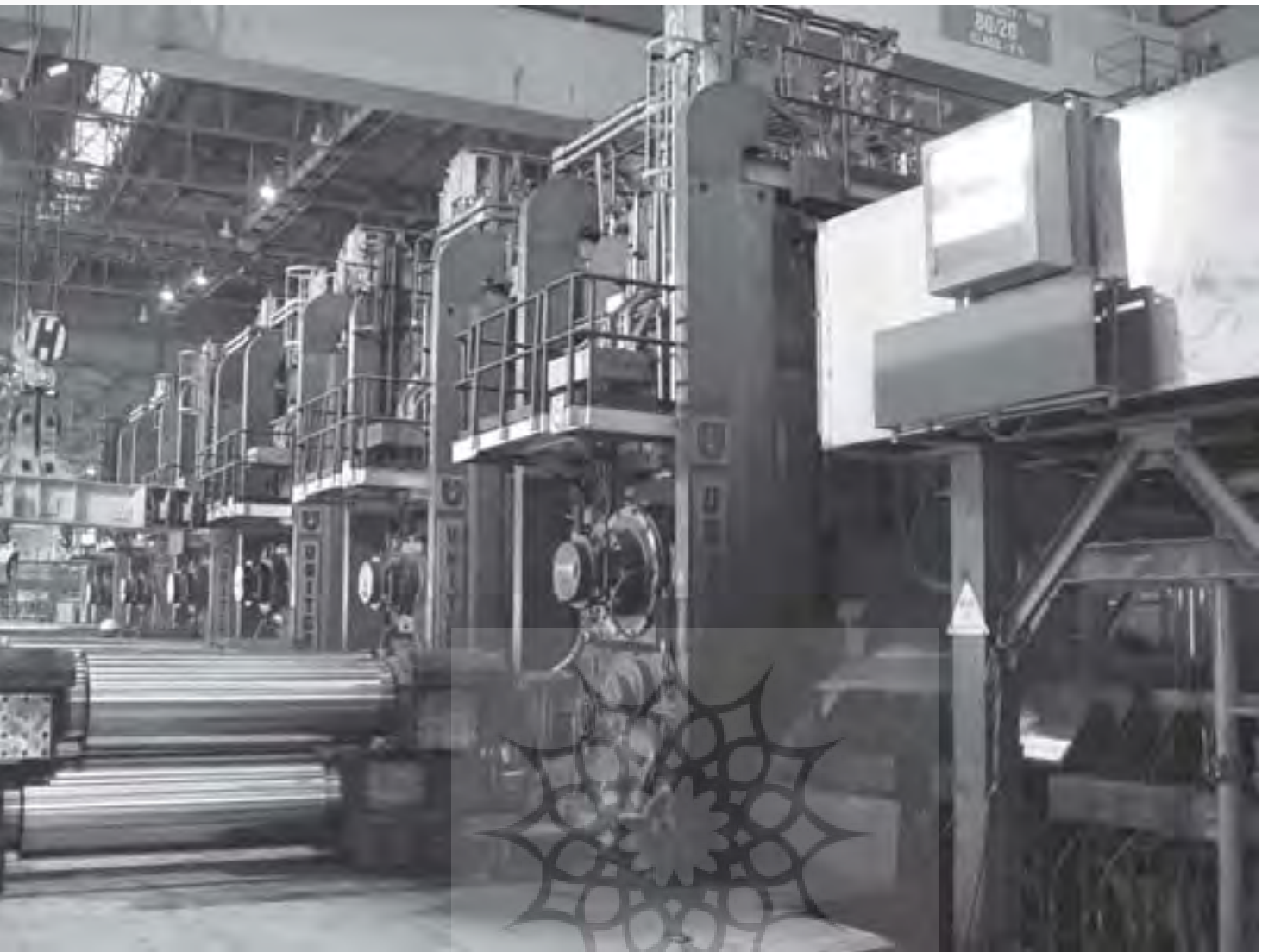
تولید بین‌المللی و جهانی شدن:

بین‌المللی شدن تولید به مفهوم تولید کالاها و خدمات در کشورهای مختلف است به طوری که کنترل و مدیریت این واحدها بر عهده اداره مرکزی شرکت اصلی در کشور دیگر قرار داشته باشد. در بین‌المللی شدن تولید نقش شرکت‌های چند ملیتی کلیدی است. این شرکت‌ها با هدف دستیابی به منابع مورد نیاز و عوامل ارزان‌قیمت تولید از جمله نیروی کار و یا سرمایه و به منظور به حداکثر رساندن سود و برخورداری از مزیت رقابتی به سوی بازارهای خارجی حرکت کرده و در سایر کشورها سرمایه‌گذاری می‌کنند. این عمل شرکت‌ها با توجه به تخصص بالای آنها این امکان را فراهم آورده است تا قطعات مختلف موردنیاز تولید از جایی که مزیت رقابتی وجود دارد تهیه شوند. نتیجه این امر افزایش همبستگی اقتصادی کشورها و سرعت بخشیدن به فرآیند جهانی شدن بوده است.

توسعه تکنولوژی و جهانی شدن:

طی دو دهه گذشته رشد تکنولوژی به ویژه تکنولوژی‌های جدید عامل مهمی در ادغام بازارها و فرآیند جهانی شدن بوده است. در واقع تکنولوژی عامل محرک ایجاد بازارهای جهانی بوده و مبنای مهمی برای

طی دو دهه گذشته رشد تکنولوژی به ویژه تکنولوژی‌های جدید عامل مهمی در ادغام بازارها و فرآیند جهانی شدن بوده است



جمع‌بندی و آرایه یک استراتژی اقتصادی برای

ایران:

محور توسعه کشور در شرایط بهبود تولید است بنابراین محور استراتژی پیشنهادی تولیدی است که به گسترش صادرات بیانجامد.

سیاست یا راهکارها:

- ۱- شناخت مزیت‌ها ۲- تقسیم‌بندی فرآیندهای تولیدی: فرآیندهایی که در تولید آنها مزیت نسبی داریم. - فرآیندهایی که در صورت تصحیح شرایط تولید (تکنولوژی تولید یا سازمان) می‌تواند مزیت دار شوند. ۳- توسعه فرآیندهای تولیدی جدید ۴- تشویق صنایع کوچک و متوسط کاربر غیردولتی ۵- تحقیق و توسعه (R&D) ۶- ایجاد فرصت‌های جدید شغلی ۷- جذب سرمایه‌گذاران خارجی ۸- تقویت تشکیلات کارفرمایی ۹- خصوصی سازی ۱۰- تجهیز اطلاعات ۱۱- مقررات زدایی ۱۲- آزادسازی تجاری ۱۳- آزادسازی قیمت‌های و تفسیر روش در پرداخت یارانه‌ها ۱۴- مشارکت فعال تر در منطقه ۱۵- حذف انحصارها و فراهم آوردن محیط قابل رقابت ۱۶- ایجاد انعطاف در بازار کار ۱۷- سیاست‌های کلان اقتصادی دولت

منبع: اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، دکتر محمدمهدی

بهکیش

ایجاد مزیت رقابتی شده است. تکنولوژی‌های جدید به کمپانی‌ها اجازه می‌دهند تا توان تولیدی خود را ارتقا بخشند که این امر نیز منجر به رشد ظرفیت، کاهش هزینه، افزایش کیفیت و افزایش سرعت در تحویل کالا می‌شود. یکی از مهمترین عوامل موثر بر رشد تکنولوژی وجود مراکز تحقیق و توسعه (R&D) و پایگاه‌های رشد علوم پایه (در دانشگاه‌ها) می‌باشد. رقابت‌پذیری پایدار به صورت ترکیبی به قابلیت تکنولوژیک مرتبط است. اگر یک بنگاه سرمایه‌گذاری (R&D) را کاهش دهد بسیار بیشتر از صرفه‌جویی‌اش زیان خواهد دید. البته چگونگی استفاده از تکنولوژی و مدیریت آن به همان اندازه از اسمیت ویژه برخوردار است.

مهم‌ترین نهاد علم و تکنولوژی هزینه تحقیق و توسعه در کشور می‌باشد. به طوریکه هر چه میزان هزینه‌های تحقیقاتی به عنوان شاخصی از حجم فعالیت‌های پژوهشی در کشور بالاتر باشد زمینه و یا بستر مناسب جهت رشد علم و تکنولوژی بیشتر فراهم می‌گردد. همچنین مهم‌ترین جریان خروجی و یا محصول علم و تکنولوژی به ترتیب تعداد مقاله است. علمی چاپ شده و تعداد اختراعات ثبت شده می‌باشند. یعنی هر چه تعداد این دو مورد بیشتر باشد آن کشور به لحاظ علمی و تکنولوژیکی از موقعیت بهتری برخوردار است.